

# ایبانه

## یادگاری از

### ایران باستان

محمدحسین زارعی ایبانه  
دبیر جغرافیا - تهران



واژگان کلیدی: ایبانه، قدمت، اصالت و فرهنگ، توریسم و معماری.

مقدمه

و اینک روستایی بن بست بر دامنه‌ی کرکس با جلوه‌ای بس ناب و فاخر. و چه سرخ است: خاکش سرخ، خانه‌هایش سرخ، گونه‌های کودکانش سرخ و دل پیرانش هم! این جا طبیعت و مردم دست به دست هم داده‌اند تا از همان لحظه‌ی ورود مبهوت کنند؛ آن یک با زیبایی اش و این دیگر با صفایش.

ایبانه یادآور روزگاری است که نیاکان ما به پراکندن تخم راستی و باورهای سه‌گانه‌ی گفتار نیک، پندار نیک و کردار نیک می‌پرداختند. اکنون نیز، گفتار مردم مسلمان این روستا از دروغ نشانی ندارد، کردار آن‌ها با کژی همراه نیست و پندارشان بر پایه‌ی نیک خواستن برای دیگران نهاده شده است.

ایبانه گنجینه‌ای پر ارزش است که در نگهداری آن باید کوشید و تو که خود را ایرانی می‌دانی، باید این روستا را ببینی تا از ویژگی ایرانی مسلمان آگاه شوی. و از همه بالاتر، بدانی که چگونه پای بند بودن به روش‌های خوب گذشته و دوری کردن از بدی‌های شناخته‌شده‌ی آن روزگاران می‌تواند، در پایدار ماندن خانواده‌ی ایرانی به کار گرفته شود.

کسانی که از ایبانه دیدن کرده‌اند، می‌گویند این روستا با وجود

چکیده

همه‌ی گستره‌ی ایبانه، به راستی موزه‌ای شگفت‌انگیز است؛ گهواره‌ای یادگارهای تاریخ ایران، از عهد کهن تا امروز. مردم ایبانه سرزمین باستانی خود را قدر می‌شناسند و شایسته‌ترین پاسداران فرهنگ ایران زمینند. روستای تاریخی ایبانه، با منظره‌های بسیار زیبا و دیدنی اش، در شمال غربی کوه‌های کرکس و در جنوب غربی نطنز قرار دارد. سبک خانه‌سازی در ایبانه، به دوره‌ی صدر اسلام تا زمان صفویه و از این زمان تا قاجاریه پیوند می‌خورد. در ساختمان‌های ایبانه، چوب درختان صنوبر و چنار بر خاک‌رُس قرمز و آجبر مناسب نهاده شده است.

نام ایبانه از واژه‌ی «ویونا» به معنای بیدستان گرفته شده است. زیرا در لهجه‌ی محلی، درخت بیدرا «وی» می‌نامند. درآمد اغلب مردم منطقه از طریق کشاورزی و باغداری تأمین می‌شود. می‌گویند، ریشه‌ی زبان مردم ایبانه پهلوی است. لباس زیبای محلی آن‌ها نیز به لباس بختیاری‌ها شباهت دارد. از زمانی که این روستا در فهرست آثار ملی قرار گرفت، تصویرهای آن دست به دست شدند، و مقالاتی چند درباره‌ی آن انتشار یافتند، پای دیدارکنندگان به آن باز شد و رفته رفته، ایبانه در زمره‌ی مناطق توریستی ایران درآمد.

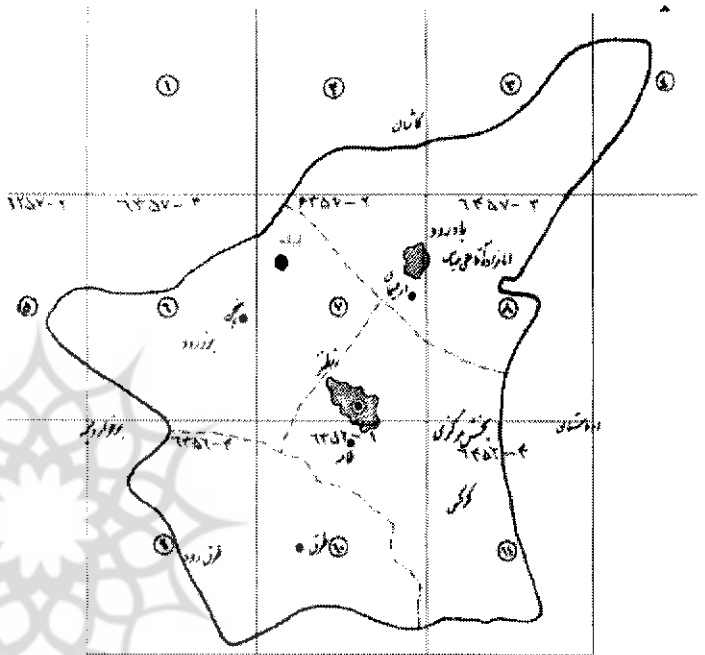


متخصصان و تحصیلکردگان طراز اولی که تربیت کرده، موفق شده است از گوهر اصیل سنت‌های اجتماعی فرهنگی و بافت معماری و گویش و پوشش خود، به نحو احسن پاسداری کند و سالانه جهانگردان بی شماری را از اقصانقاط جهان به سوی خود بکشاند.

### موقعیت جغرافیایی ایبانه

ایبانه در استان اصفهان، در فاصله‌ی ۲۶ کیلومتری جاده‌ی کاشان به نطنز، در انتهای دره‌ی هنجن و در دامنه‌های کوه کرکس قرار دارد (خلیلی، ۱۳۸۱، ص ۱۶). راه فرعی نزدیک پل هنجن، به طرف غرب از جاده جدا و وارد دره‌ی رودخانه‌ی «برزرو» می‌شود و پس از عبور از روستاهای قدیمی هنجن، یارند، کمجان، برز، و تره، به ایبانه می‌رسد (کسرائیان و عرشی، ۱۳۸۰، ص ۱۶). ارتفاع ایبانه از سطح دریا در حدود ۲۱۰۰ متر و ارتفاع بلندترین قله‌ی جنوبی مشرف بر ایبانه، نسبت به ارتفاع سطح روستا، ۱۲۰۰ متر است.

آب و هوای ایبانه ایلاتی و زمستان آن نسبتاً طولانی است و هوا سرتاسر سال، لطافت خاصی دارد. بهترین و دیدنی‌ترین اوقات دیدار از این روستا، از نیمه‌ی فروردین تا اواخر اردیبهشت است که باغ‌های اطراف روستا غرق در شکوفه‌های رنگارنگ با منظره‌های زیبا هستند. در این موقع، در هر کوچه باغی فرشی از برگ شکوفه گسترده شده که هوا از بوی آن عطرآگین است. وضعیت طبیعی، بافت ساختمانی خانه‌ها با رنگ اخراپی، ریزه‌کاری‌ها و هنر چوبی که در ساختمان درها و پنجره‌های خانه‌ها به کار رفته‌اند، مردمی با قیافه‌ی باز و لباس محلی خاص زنان، نظر هر تازه‌واردی را جلب می‌کنند (خوانساری ایبانه، ۱۳۷۸، ص ۱۳).



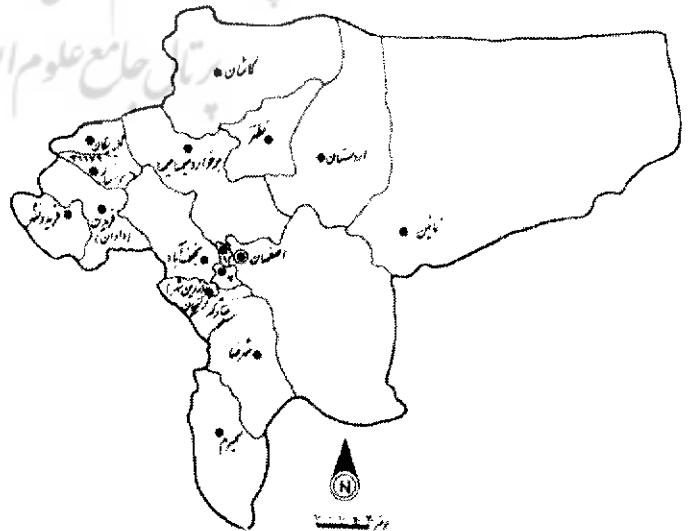
شهرستان نطنز به تفکیک بخش و دهستان

### وجه تسمیه یا نامگذاری

در ریشه‌یابی نام روستا که در محاورات و مکاتبات یا به زبان فارسی به صورت ایبانه درآمده است، گاهی در ذهن بعضی‌ها توجیهی به صورت «آب؟ یا نه = آب هست یا نه؟» بیان شده است که البته توجیه درستی نیست. برای ریشه‌یابی نام ده، باید به گویش خود مردم رجوع کرد. مردم ایبانه نام ایبانه را «ویونه = ویانه» و خود را ویانه‌ای (بیبانه‌ای) یا ویونج می‌نامند و می‌گویند «وی = و، د = ب، د = بید» همان بیدین و واژه‌ی «ویانه» از بیدانه و بیدستان و بیدزار است که در مکاتبات و گفتار فارسی، به صورت «بیبانه» و «ایبانه» تعریف شده است، ولی در گویش خود مردم مانند بسیاری از آداب و سنن، شکل اولیه‌ی خود را حفظ کرده است.

### بنای اولیه‌ی ایبانه

روستای باستانی ایبانه بر کنار بازمانده‌های تمدن کهن شش هزار ساله‌ی سیلک، با یادمان‌هایی از دوران ساسانیان، سلجوقیان و صفویان تا قاجار، هزار و پانصد سال تاریخ را همچون موزه‌ای در خود حفظ کرده است (کسرائیان و عرشی، ۱۳۸۰، ص ۶).



نقشه استان اصفهان به تفکیک شهرستان، سال ۱۳۷۵



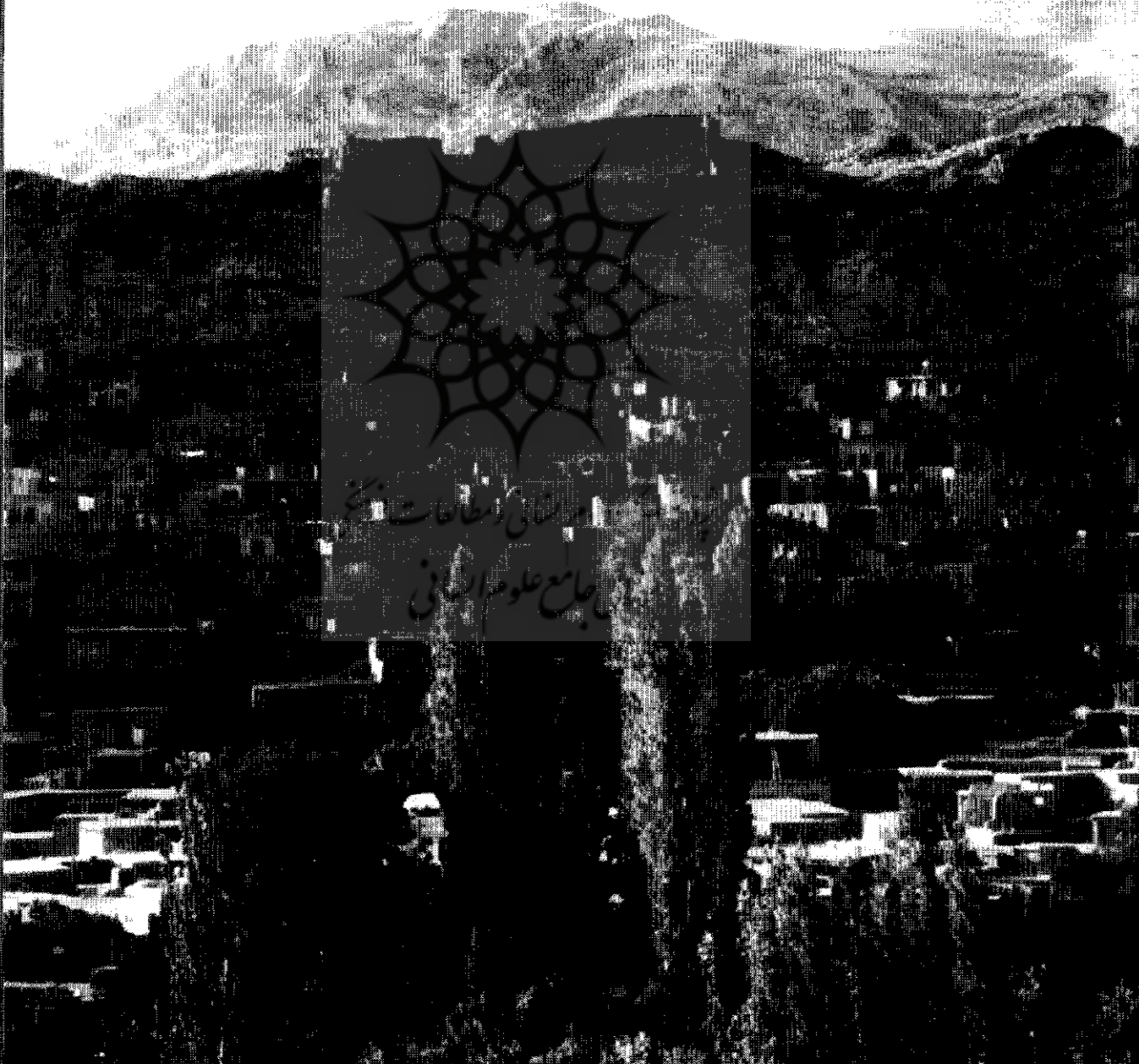
### ثبت ایبانه به وسیله ی سازمان میراث فرهنگی

از سال ۱۳۵۲ شمسی به بعد، توجه مهندسان و کارشناسانی که به این روستا رفت و آمد داشتند، به بافت قدیمی روستا جلب شد. اداره ی کل باستان شناسی وقت، در سطح کشور دو روستا را بنا بر خصوصیتی ویژه، جزو برنامه ی حفاظتی و مرمتی قرار داد که یکی ایبانه و دیگری ماسوله در منطقه ی شمال بود. بنابراین،

روستای ایبانه طی شماره ی ۱۰۸۹-۵/۳۰/۵۴ به ثبت رسید و توسط مسئولان آن سازمان اقداماتی به این شرح صورت گرفت:

۱. تعمیر و بازسازی سقف مسجدهای حاجتگاه و جامع و بنای امامزاده طبق شیوه ی فنی.

۲. تعمیر و کاهگل اندود روکار خانه هایی که در مسیر کوچه های اصلی روستا قرار دارند. این کار، هم به نمای خانه های



مسیر جلوه‌ای داده و هم باعث دوام و جلوگیری از خرابی آن‌ها شده است.

۳. سنگ‌فرش بخشی از کوچه‌ی اصلی روستا (خوانساری ایبانه، ۱۳۷۸، ص ۱۴ و ۳۰).

با توجه به این که روستای ایبانه در سازمان علمی و فرهنگی «یونسکو» به عنوان یکی از روستاهای تاریخی جهان ثبت شده، اخیراً بودجه‌ای معادل ۴۰۰ میلیون تومان برای بازسازی و مرمت روستا در نظر گرفته شده است. این بودجه با هدایت و نظارت فرمانداری نطنز، از فروردین ماه سال ۱۳۸۱ تاکنون در حال هزینه شدن است و اقداماتی به شرح زیر در حال انجام هستند:

۱. تعمیر و کاهگل اندود روکار خانه‌هایی که در مسیر کوچه‌های اصلی روستا قرار دارند.

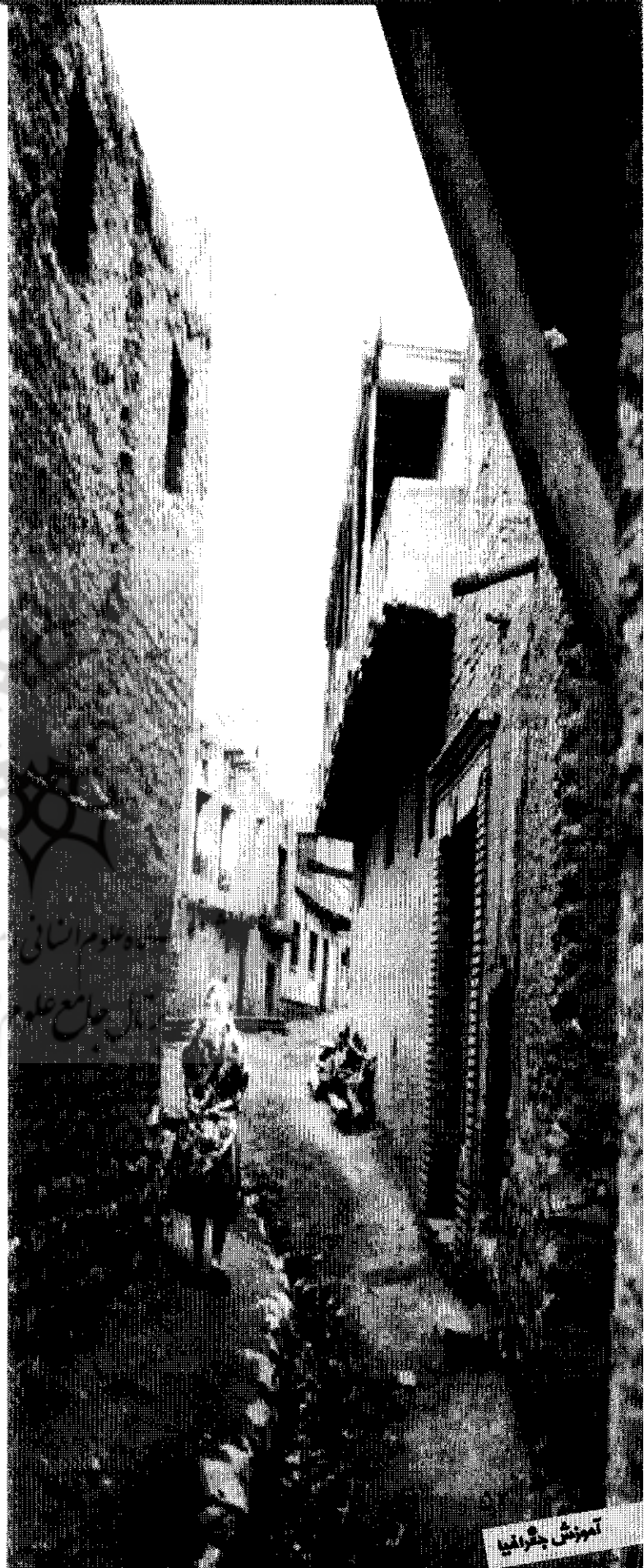
۲. سنگ‌فرش کوچه‌های اصلی (مشاهدات نگارنده از فروردین تا آبان ۱۳۸۱).

#### یافت ساختمانی

همچنان که در نظر یک عالم به علوم طبیعی، قطعه‌سنگی که از کوهی جدا شده، دفتر یا کتابی است که حکایت از دوران‌های پیشین دارد، توجه اشخاص صاحب نظر به بافت معماری و ساختمانی مردم هر محل، اعم از شهری یا روستایی نیز می‌تواند، وسیله‌ی شناخت سطح شعور و فرهنگ، اوضاع اقتصادی، و طرز زندگی اجتماعی دوره‌هایی از زندگی مردم آن محل باشد.

مردم کشور ما بارها در معرض تهاجم داخلی و عشیره‌ای یا تحولات منطقه‌ای بوده‌اند و بنای قلعه‌های حفاظتی در نقاط مرتفع مشرف بر محل سکونت، چه در شهرها و چه در نقاط روستایی، نمایانگر این دوره‌های ناامنی یا هرج و مرج است. و به عکس آن، در هر دوره و زمانی که کشور تحت حکومت واحد قرار گرفته و ثبات و نظم برای مردم فراهم آمده و آنان آرامشی یافته‌اند، آثار آن را می‌توان از معماری خانه‌سازی دریافت. این قاعده در روستای ایبانه که روستایی قدیمی است و قرن‌ها را در نقطه‌ای دور از شاهراه عمومی پشت سر گذارده، به خوبی محسوس است و آثار دوره‌های آرامش و سکون را در ساختمان خانه‌های ایبانه می‌توان تشخیص داد: خانه‌ها در هر زمانی با مصالح محلی بنا شده‌اند و پایه‌ی دیوارها تا ارتفاعی که برف زمستانی به آن‌ها آسیب نرساند، با سنگ و ملاط گل و آهک ساخته شده و بقیه با خشت بالا رفته است.

علاوه بر خاک سرخ که منحصر به این محل و در برابر باران مقاوم است، کاربرد زیاد چوب در استحکام و دوام بناها نقش مؤثری داشته و دارد. با توجه و دقت به تعدادی از خانه‌های مشخصی که در محله‌ها به صورت نیمه سالم باقی مانده‌اند،





زراعت و باغداری فراهم نبوده و به اصطلاح، درآمد کشاورزی نیاز زندگی را تکافو نمی کرده، انتخاب اولیه‌ی این گونه نقاط، به منظور استفاده‌ی دامداری و دامپروری بوده است. بنابراین، خانواددهای زیادی از مردم روستا، به گوسفندداری اشتغال داشته‌اند و محدوده‌ی مرتعی ذکر شده، توسعه‌ی این اشتغال را ایجاب می کرده است. دام این منطقه منحصرأ بز یا بزینه بوده است که دنباله‌ی ضعیف این دامداری در حال حاضر ادامه دارد، ولی در حال تنزل است.

تمام دره‌ها، ماهورها و کوه‌های این محدوده، از رویدنی‌های کم نظیری پوشیده شده‌اند که دسته‌ای از آن‌ها در بهار و پائیز

مصرف خوراک دام را تشکیل می دهند. دسته‌ای دیگر نیز قابل جمع آوری و خشک کردن هستند و برای مصرف خوراک زمستانی دام مناسبند؛ مانند: کما، خهن، خاون و انواع تیغدارها. دسته‌ی سوم گل‌ها و گیاهانند و دسته‌ی چهارم بوته‌های سوزاندنی مانند انواع گون‌ها و بوته‌ی دُرْمَه (درمنه) هستند که در فصل پائیز هوارا عطرآگین می کنند. فراورده‌های دامی گوسفندی که از این گیاه تغذیه می کند، از نظر طعم و عطر کم نظیر است. این بوته در گذشته‌ها به مصرف سوخت زمستانی خانه‌ها می رسید، ولی در حال حاضر با جریان یافتن قانون حفظ مراتع و جنگل، و با توجه به مشکلات آمدورفت در کوه و انتقال بار به روستا، سوخت خانه‌ها و حمام‌ها از مواد نفتی تأمین می شود.

#### معادن

در دو مزرعه‌ی مراوند و نیاز مرق و دره‌های اطراف آن‌ها، معادن سرب و ذغال سنگ وجود دارند. معدن سرب نیاز مرق، در سال‌های اخیر در مرحله‌ی بهره‌برداری بود، ولی اینک تعطیل



می توان بافت ساختمانی خانه‌های روستا را به سه دوره‌ی تاریخی تقسیم کرد:

۱. سلجوقی
۲. صفویه
۳. قاجاریه

#### محدوده‌ی ایبانه مرزبندی متصرفی

در زاویه‌ی شمال شرق روستا، از سر قنات «تارد» دره‌ای که تا نزدیکی‌های دره‌ی «گهیه» امتداد دارد و پیش از به وجود آمدن راه ماشین رو، راه ارتباطی مال‌روی مردم منطقه به کاشان و تهران بوده است، به سمت غرب تا مزرعه‌ی «گه‌بالا»، و از آن‌جا به گردنه‌ی «قهرود» و مزرعه‌های تجره، مراوند، چشمه سفید، چشمه بی بی لانخود و نیاز مرق، و از نیاز مرق، انحراف به سمت شرق تا کوه‌های جنوبی مشرف بر ده، کلاً مرزبندی ثبت شده و در تصرف اهالی بوده است.

در این محدوده که در طول و عرض، تا حدود ۲۵ کیلومتر وسعت دارد، مزرعه‌ها و آبگاه‌هایی وجود دارند که از نظر چراگاهی و دامداری مورد استفاده‌ی عموم بوده‌اند.

#### دامداری و استفاده‌ی چراگاهی

چون روستا در دره یا رودخانه‌ی کم عرضی واقع شده و زمین کافی برای





«بسمان» و «پل» از یک طرف، و مردم محله‌ی پائین از طرف دیگر، اختلافی به وجود آمد. موضوع اختلاف به مقامات دولتی برده شد و در نتیجه، بازرسی یا ممیزی برای رفع اختلاف به ایبانه اعزام شد. با رسیدگی‌هایی که به عمل آمد، راه چاره در آن دیده شد که املاک متعلق به ساکنان محله‌ی پائین را در هر نقطه‌ای که هست، برنویس، جمع‌بندی و طاق‌بندی جداگانه کنند و در گردش شبانه‌روزی خاص مردم این روستا قرار دهند. این جداسازی، مسیر گردش آب را از ردیف منظم خارج ساخت، زیرا در عرض ۲۴ ساعت طاق شب یا روزی که متعلق به مردم پائین روستاست، باید در کوچه‌های مختلف باغستان به گردش درآید و باغ‌های مربوط را آبیاری کند. روز دیگر باز آب در این کوچه‌ها به گردش درآید و باغ دیگران را آب دهد و این پراکندگی آبیاری موجب اتلاف و هدر رفتن آب می‌شود. در صورتی که در حال حاضر، دلیلی برای جداسازی وجود ندارد و جادارد، این تقسیم‌بندی و ردیف ساختن آب در گردش منظم، تجدیدنظر شود.

#### بناهای مذهبی و تاریخی مسجد جامع

طبق نظر بعضی از توریست‌ها، ایبانه به خاطر داشتن این اثر تاریخی عالی و باشکوه ارزش بازدید دارد. مسجد یک محراب چوبی کوچک (که سابقاً از آن برای دعا و نماز استفاده می‌کردند) با نقش‌های دیدنی دارد که یک فصل (دوره) از قرآن روی چوب

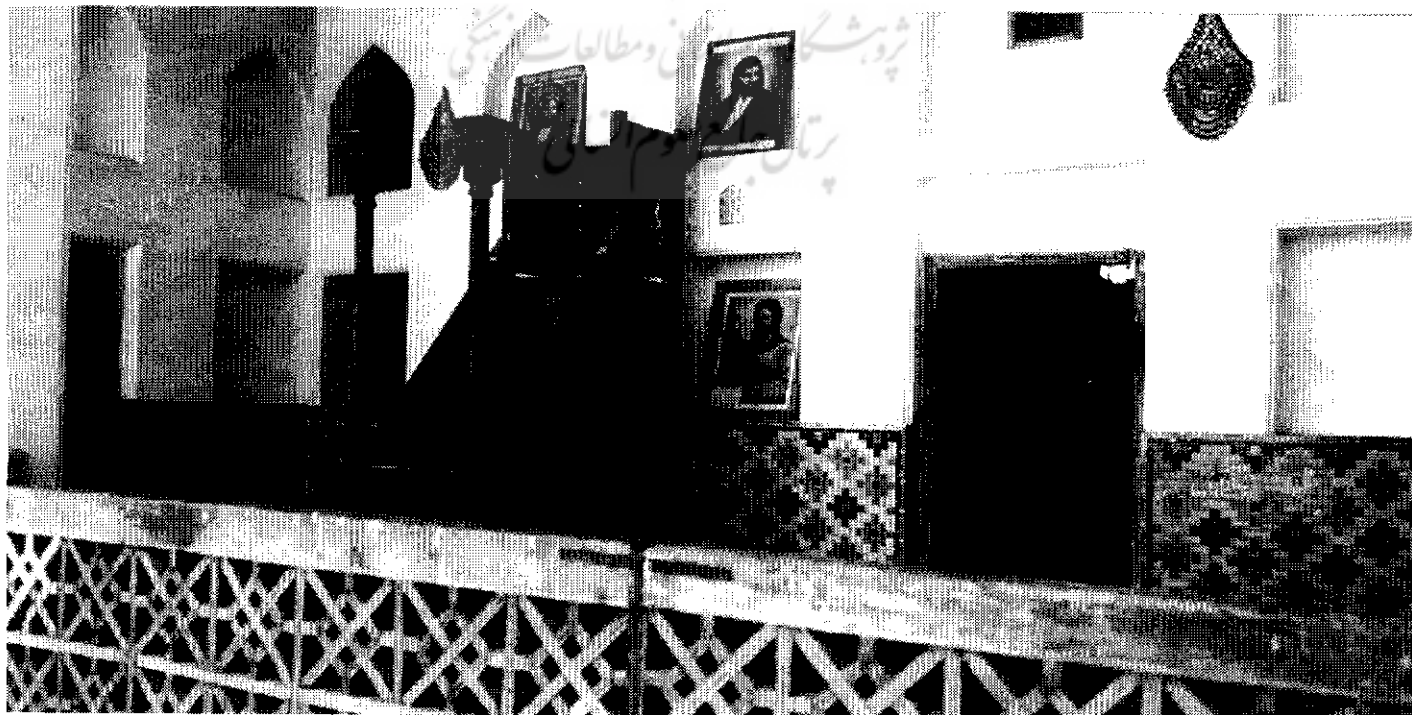
شده است. از معادن ذغال‌سنگ هم بازرگانان اصفهانی، برحسب قراردادی که با مالکان و مردم محل بسته می‌شد، بهره‌برداری می‌کردند و ذغال آن برای مصرف سوخت حمام‌ها و کوره‌های آجرپزی اصفهان به فروش می‌رفت. ولی در حال حاضر، چون مواد نفتی جای ذغال را گرفته‌اند، این بهره‌برداری متوقف شده است. در مزرعه‌ی چشمه بی‌بی در حوزه‌ی مرتعی این روستا، معدن سنگ تراورتن در حال بهره‌برداری است.

#### راه‌های ارتباطی

در حال حاضر راه اصلی ارتباطی روستا، در سمت شرق روستا، در امتداد روستاهای پنجگانه‌ی رودخانه‌ی برز رود در هنجن، به جاده‌ی آسفالتی‌ی کاشان-نطنز متصل می‌شود.

#### آب و املاک

آب عمده و اصلی روستا، در فاصله‌ی پنج شش کیلومتری غرب روستا در چمنزاری به نام «دوآبی»، از چشمه‌سارهای متعدد در دره‌ها می‌جوشد، یکی می‌شود و به ایبانه می‌رسد. این آب برحسب تقسیم‌بندی قدیمی، در هر ۲۴ ساعت شبانه‌روز گردش دارد که این فاصله‌ی آبدهی به باغ‌های میوه، به‌خصوص در فصل تابستان، زیاد است و به همین دلیل، تربیت درختان میوه و یا باغداری، پیشرفت لازم را ندارد. این تقسیم‌بندی از زمانی آغاز شد که میان مردم دو محل





به آرامگاه بایزید بسطامی در شاهرود است ،  
(sharif cultural institute, 1997, p.: 5-8).

### مسجد حاجنگاه

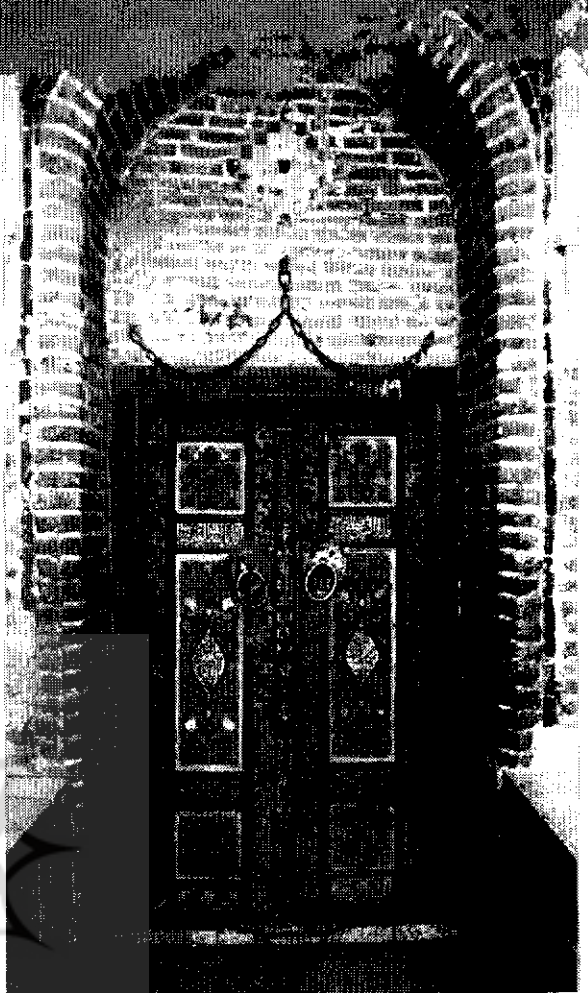
تاریخ ساخت مسجد به دوره ی صفویه برمی گردد .  
ستون هایی از چوب دارد که آیاتی از قرآن روی آن ها  
حک شده است (sharif cultural institute, 1997, p.: 11).  
در پوشش سقف های آن ، نقاشی ها و تاج های هندسی زیبا و  
نوعی پوشش چوبی ظریف و جالب به نام «کرکس پوش» دیده  
می شود که سعی شده است ، در فاصله های تعمیرات جدید و  
قدیم سبک سابق آن ها رعایت شود .

### زیارتگاه

این اثر تاریخی عالی و باشکوه که هر ساله تعداد  
زیادی از جهانگردان را به سوی خود جذب می کند  
(sharif cultural institute, 1997, p.: 11) در محله ی پائین ده واقع  
است . گنبد کاشیکاری فیروزه ای دارد که در میان خانه های  
سرخ رنگ روستا ، دارای جلوه ای خاص است . صحن بنا  
ایوان های بزرگ دارد و به خصوص ایوان جنوبی که بر باغ های  
سرسبز و خرم مسلط است ، فضای با روح و منظره ی جالبی دارد  
(خوانساری ایبانه ، ۱۳۸۰ ، ص ۵۲).

### خانقاه (خونگاه)

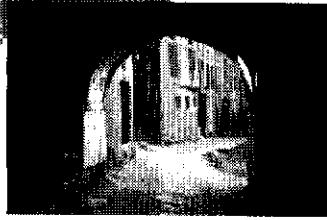
در زمان شاه عباس صفوی که اصفهان به پایتختی انتخاب  
شد ، رو به رونق و شکوفایی گذاشت . مردم ایبانه هم که به  
این شهر نزدیک و با آن روابط معاملاتی داشتند ، به موقعیت  
مناسبی رسیدند و از نظر امور اجتماعی و اقتصادی ، به  
پیشرفت های قابل توجهی دست یافتند . چون مقامات و سران  
دولتی از نظر موقعیت آب و هوایی به این ده توجه و آمد و رفتی  
پیدا کردند ، مردم روستا به فکر تهیه ی خانه ای مناسب برای  
پذیرایی و سکونت موقتی آنان برآمدند و در کنار خانه های  
روستا ، خانه ای قدیمی را در نظر گرفتند و نمای بیرونی آن را  
با روکار آجری بازسازی و سردر ورودی را با طاق نماهای  
ضربی و نقاشی هایی که به نظر کارشناسان از کارهای نقاشان  
زمان شاه عباس است ، تزئین کردند . این خانه را به پذیرایی از  
مقامات اختصاص دادند و خانقاه نامیدند . از آن زمان ،  
خانه هایی که دوروبر یا مقابل این خانقاه واقع بودند و کلاً آن  
محل را «پ خونگاه = پس خانقاه» و مردم محل را نیز  
«پخونگاهی = پس خانقاهی» نامیدند و محل به پخونگاه شهرت



حک شده است . مطابق با تاریخ حک شده روی این محراب ،  
قدمت آن به قرن ۱۴ میلادی می رسد . محراب بزرگ مسجد که  
تاریخ ساخت آن سال ۷۷۶ قمری است ، از چوب گردوی  
قهوه ای رنگ ساخته و مثبت کاری شده است و کتیبه های قرآنی  
برجسته ای با نام بانسی آن ، مولانا بهاء الدین محمد دارد .  
قدیمی ترین اثر تاریخی این مسجد ، منبر چوبی مثبت کاری آن  
است که در سال ۴۶۶ قمری ساخته شده و با خط کوفی ، بر  
کتیبه ی آن این تاریخ نوشته شده است . تاریخ آخرین تعمیر منبر  
سال ۱۳۱۱ قمری است که توسط استاد صفر علی بیگدلی به عمل  
آمده است . در سقف مسجد نیز تخته هایی از چوب گردو با  
طرح های زیبا و نقشه های منظم هندسی به کار رفته اند (مشاهدات  
نگارنده).

### مسجد پر زله

این مسجد در یکی از قدیمی ترین محله های ایبانه واقع است و  
پناهگاهی عالی دارد . تاریخ ساخت در ورودی آن به قرن ۱۴  
میلادی (۷۰۱ق) برمی گردد . تزئینات حک شده در آن خیلی شبیه



پیدا کرد (خوانساری ایبانه، ۱۳۸۰، ص ۵۴-۵۵).  
آتشکده

آثار آتشکده‌ای در ایبانه وجود دارد که تاریخ بنای آن معلوم نیست، ولی شکل ساختمان آن با سایر بناها تفاوت دارد. در این بنا چوب به کار نرفته است. قوس‌هایی سنگی دارد و مصالح آن سنگ و گچ است. وجود آتشکده در مرکز ایبانه، بیانگر موقعیت ممتاز آن در عهد ساسانیان است. این موقعیت با شروع ساخت مسجد جامع در قرن‌های چهار تا پنج هجری در ایبانه دگرگون شد، اما بناشدن مسجد در نقطه‌ی دیگر آن، نشانه‌ی زندگی مسالمت‌آمیز مسلمانان و زرتشتیان در این دوره است. ظاهراً آهنگ تخریب بنای مزبور در عهد صفویه شدت یافته است. در حال حاضر، از بنای آتشکده گذرگاهی بیش بر جای نمانده است (مشاهده‌ی نگارنده).

#### قلعه

روستا شامل سه محله‌ی پائین ده، یسمان و پل است. هر یک از این محله‌ها قلعه‌ای استحفاظی دارد که بر محله‌ی مربوط مشرف است و اینک نیمه‌خرابه‌ای از آن‌ها باقی مانده است. قلعه‌ی پائین ده قدیمی‌تر به نظر می‌رسد و بر قلعه‌ی سنگی بریده‌ای بنا شده که فقط از طرف در ورودی راه آمد و شد داشته و در مواقع



اضطرار پناهگاه مناسبی بوده است. بعدها با توسعه‌ی روستا، قلعه‌ی محله‌ی پل بر ستیغ کوه سنگی مشرف و مسلط بر خانه‌های محل و سپس قلعه‌ی محل یسمان بر دامنه‌ی جنوبی محل ساخته شده است که ظاهراً جدیدتر به نظر می‌رسد، ولی با توجه به خاک‌برداری‌هایی که وسط آن به عمل آمده و پدیدار بودن سفال‌های شکسته‌ی بدون لعاب در لابه‌لای خاک‌برداری‌ها، معلوم می‌شود که بنای آن نیز قدیمی است و احتمالاً دیواره‌هایش بعداً در توسعه‌ی قلعه، نوسازی شده‌اند (خوانساری ایبانه، ۱۳۸۰، ص ۶۵-۶۴).

#### ساختمان‌های خدماتی الف) دبستان

در حال حاضر عده‌ای انگشت‌شمار دانش‌آموز در روستا مشغول به تحصیل هستند و یک آموزگار نیز در آن‌جا مشغول به کار است. این دبستان با کوشش زین‌العابدین خوانساری ایبانه، در سال ۱۳۲۵ افتتاح شد. در سال ۱۳۲۶ ش، اداره‌ی آن را خوانساری ایبانه با ۱۱۰ دانش‌آموز در چهار کلاس به عهده داشت. در سال ۱۳۲۶، کلاس پنجم و در سال ۱۳۲۷، کلاس ششم افتتاح شد و به پاس خدمات دانشوری، یکی از فرهنگیان قدیمی کاشان، نام او بر مدرسه گذاشته شد و مدرسه رسمیت یافت. در سال‌های ۱۳۳۳ تا ۱۳۴۴ که دبستان ۶ کلاسه‌ی ایبانه توسط کادری محلی و فعال و اداره می‌شد، یکی از دبستان‌های معروف و نمونه‌ی منطقه‌ی نطنز و کاشان بود. در آن سال‌ها، بین ۱۴۰ تا ۱۵۰ دانش‌آموز دختر و پسر، در آن دوره‌ی ابتدایی را پشت سر می‌گذاشتند و در پایان هر سال تحصیلی، دانش‌آموزانی با معلومات کافی خارج می‌شدند که بیش‌تر آن‌ها تا دوره‌ی عالی به تحصیل ادامه می‌دادند.

بین سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۰ ش با اقدام و همکاری مردم، دوره‌ی راهنمایی نیز به آن افزوده شد و ساختمانی مخصوص دوره‌ی راهنمایی و دبیرستان ساخته شد و تا کلاس دوم متوسطه دانش‌آموز پذیرفت. ولی در اثر شتاب مهاجرت و افت دانش‌آموز، با همه‌ی تدبیری که از طرف آموزش و پرورش نطنز به کار رفت، دوره‌ی راهنمایی و کلاس‌های دبیرستانی تعطیل شدند.

#### ب) بهداری

به تقاضای مردم ایبانه، در سال ۱۳۳۴ ش، سالی که مرحوم الهیار صالح، وکیل کاشان و نطنز بود، بهداری روستا تأسیس شد و اکنون دو باب ساختمان مناسب در اختیار آن است. ساختمان اول از همان سال تأسیس با همیاری مردم بنا شد و هم‌اکنون مورد





استفاده و سکونت کارکنان است. ساختمان دوم در سال ۱۳۴۲ به کمک مالی مرحوم دکتر محمد حکیم زاده (داروساز) و همت محمد یوسفیان و با نقشه و نظر و مساعدت اداره‌ی کل بهداری استان اصفهان بنا شد و اینک مرکز بهداری و بهداشت روستاست و یک پزشک و دستیاران لازم، امور بهداشتی و بهداری مردم ایبانه و روستاهای منطقه را عهده‌دارند.

### ج) مخابرات

سابقاً نیازهای تلفنی مردم به وسیله‌ی شعبه‌ی تلفن هتجن در فاصله‌ی ۲۲ کیلومتری ایبانه رفع می‌شد که مشکلاتی داشت. بنابراین دست‌اندرکاران روستا تصمیم گرفتند، انشعاب یک خط مستقیم تلفن ایبانه را تقاضا کنند و با تعهد پرداخت هزینه‌ی لازم و اداره‌ی آن در مدت کمی این کار را عملی کردند و تلفن ایبانه به کار افتاد. این خط تلفن در سال ۱۳۵۷ به علت فرسودگی و عدم مراقبت لازم برچیده شد تا این که به برکت انقلاب اسلامی، ایبانه نیز به شبکه‌ی سراسری مخابرات پیوست و در یکی از ساختمان‌های سازمانی، دو خط تلفن در خدمت مردم قرار گرفت. طی سال‌های ۷۷-۱۳۷۶، در اثر اقدام و تلاش مردم ایبانه (مقیم روستا و تهران) و مساعدت مرکز مخابرات نطنز، یک دستگاه تلفن دیجیتال ۵۰۰ شانه‌ای در ساختمانی نصب و به متقاضیان، خط تلفن داده شد. اکنون در بیش تر خانه‌ها تلفن شخصی وجود دارد و ارتباط بین مردم فراهم شده است. لازم به ذکر است که علاوه بر این ۵۰۰ شماره، مجدداً در مرداد و شهریور ۱۳۸۱ ثبت نام برای دریافت خط تلفن به تعداد ۵۰۰ تا ۶۰۰ شماره انجام شد (اطلاعات نگارنده)

### د) میراث فرهنگی

از سالی که روستای ایبانه به ثبت سازمان میراث فرهنگی درآمد، آقای عباس مسلمی ایبانه به عنوان نماینده‌ی سازمان منصوب و امور مراقبت از مسجدها و آثار قدیمی را عهده‌دار شد. اخیراً نیز مسؤولان اداره‌ی میراث فرهنگی کاشان و نطنز، ساختمانی برای تأسیس تشکیل موزه‌ای از آثار روستا در دست احداث دارند که اقدامی مفید و مایه‌ی دلگرمی و تشکر مردم است (خوانساری ایبانه، ۱۳۸۰، ص ۵۸-۵۶).

روستای باستانی ایبانه در کنار بازمانده‌های تمدن کهن شش هزار ساله‌ی سیلک با یادمان‌هایی از دوران ساسانیان، سلجوقیان، صفویان تا قاجار، هزار و پانصد سال تاریخ را همچون

موزه‌ای در خود حفظ کرده است. شکوفایی ایبانه از دوره‌ی صفویه تا ابتدای دهه‌ی ۱۳۶۰ شمسی بوده است که با خود رشد جمعیت، و رونق کشاورزی، دامداری، صنایع دستی، و دادوستد با روستاها و شهرهای اطراف، و نیز تأسیس مدرسه‌های ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را به ارمغان آورد.

استان اصفهان منطقه‌ای مهاجرفرستی است که یکی از علل این ویژگی، موقعیت کشاورزی و دیگر، همجواری با دو استان صنعتی، خدماتی و بازرگانی تهران در شمال و خوزستان در جنوب غربی آن است. در حدود نیمی از مهاجران اصفهان به خوزستان و ۴۰ درصد از آنان به استان تهران و مخصوصاً شهر تهران مهاجرت کرده‌اند (نظری، ص ۱۷۰). روستای ایبانه نیز از این امر مستثنا نبوده است و از دهه‌ی ۱۳۴۰ ش، مهاجرت از روستا به شهرهای اطراف به خصوص تهران آغاز شد که در دهه‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ این مهاجرت شدت گرفت. در حال حاضر، جمعیت بسیار کمی در ایبانه ساکن هستند.

با توجه به این که روستای ایبانه در سازمان یونسکو به عنوان یکی از روستاهای تاریخی ایران و جهان ثبت و بودجه‌ای نیز برای بازسازی و مرمت آن در نظر گرفته شده، لازم است اقداماتی به شرح زیر در جهت تعدیل مهاجرت‌ها انجام شود:

۱. دایر کردن مدرسه‌ی راهنمایی و دبیرستان
۲. ساخت هتل با توجه به بازدید مداوم جهانگردان داخلی و خارجی، به خصوص در روز تاسوعا و عاشورا، از روستا
۳. معرفی این روستای باستانی به گروه‌های دانشگاهی
۴. تأمین سرمایه‌های لازم در روستا، از طریق دادن وام‌های



خدمات ارزشمندی کرده‌اند. در رشته‌های گوناگون کسب و پیشه (نجاری، آهنگری، نقره‌سازی و غیره) نیز همیشه استادکاران ماهری در ایبانه دست‌اندرکار بوده‌اند.

### ج) میزان سواد

در این روستا در هر دوره‌ای دو یا سه خانواده‌ی عالم یا ملای با سواد وجود داشته‌اند که تصدی امور مذهبی و شرعی مردم را برعهده داشته‌اند در ضمن به داوطلبانی که پس از درس مکتب‌خانه می‌خواستند درس عربی بیاموزند، کمک می‌کرده‌اند. نوشته‌های مربوط به امور معاملات و ازدواجی که دارای خط و ربط بسیار خوب هستند، این ادعا را ثابت می‌کنند.

نقل می‌کنند که در زمان ناصرالدین شاه، یکی از ملایان ایبانه به نام ملا محمد خواجه، جزو گروه نویسندگان کتاب «ناسخ‌التواریخ» بوده و با مرحوم سپهر کاشانی همکاری داشته است. در ضمن، همیشه یکی دو مکتب در روستا دایر بوده و اغلب کودکان روستا در فصل زمستان و فراغت‌های دیگر سال، در این مکتب‌خانه‌ها حداقل سواد خواندن و نوشتن را می‌آموختند و آن‌هایی که مستعد بوده‌اند، نزد ملاح‌های محلی یا در شهر کاشان و برخی شهرهای دیگر، به ادامه‌ی تحصیل می‌پرداخته‌اند. در هر خانواده‌ی ایبانه‌ای، علاوه بر قرآن و کتاب‌های مذهبی مثل جوهری و مختار، کتاب‌های دیوان حافظ، گلستان و بوستان سعدی، خمسه‌ی نظامی، مثنوی و شاهنامه از لوازم ضروری زندگی به حساب می‌آمده است و در شب نشینی‌های طولانی زمستان و جمع شدن پای کرسی، خواندن و گوش دادن به کتاب و داستان‌های پهلوانی و فال حافظ تا آن اندازه رواج داشته است که اغلب افراد بی‌سواد از زن و مرد، شعرهای معروف حافظ و خمسه‌ی نظامی و داستان‌های پهلوانی شاهنامه را حفظ بودند.

### زبان مردم ایبانه

زبانی که این مردم با آن گفت‌وگو می‌کنند، اصطلاحاً «فرس قدیم» نام دارد و شعبه‌ای است از زبان رایج مردم منطقه‌ی نطنز و جوشقان قالی و با زبان بعضی از نقاط مرکزی ایران و زبان مردم حدود سمنان و سبزوار نزدیکی‌ها و همانندی‌هایی دارد. از ویژگی‌های این زبان این است که از نظر مکانیزم یا ساختار، در گردش خود خیلی روان است و واژه‌ها را صریح ادا می‌کند. دنباله‌ی واژه‌ها را کش و قوس چندانی نمی‌دهد و لهجه‌ای به وجود آورد که به آسانی به فارسی برمی‌گردد و زبان فارسی یا هر زبان محلی دیگری را می‌تواند تقلید کند. آن ساده‌گرایی و تحریف‌هایی که در بعضی از زبان‌های مشابه دیده می‌شود را در این زبان کم‌تر می‌توان دید

درازمدت و کم بهره و جهت دهی به سرمایه‌های کوچک روستایی به سمت سرمایه‌گذاری تولیدی در روستا

### ایبانه و فرهنگ مردم آن

#### الف) جمعیت

برابر دفتر آماری که برای کارهای عمومی و سستی محلی تنظیم می‌شد، بین سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۴۰، تعداد خانوار ساکن در ده متجاوز از ۴۷۰ و جمعیت آن در سال‌های مذکور بین ۲۵۰۰ تا ۲۸۰۰ نفر بود که طبق سرشماری سال ۱۳۷۵، به ۲۸۳ نفر و ۱۴۴ خانوار کاهش یافته است.

#### ب) بافت اجتماعی

در گذشته، مردم روستا به دو طبقه یا دسته‌ی متعارف تقسیم می‌شده‌اند:

۱. طبقه‌ی ارباب، یعنی عمده مالکان روستا

۲. طبقه‌ی رعیت، یعنی خرده مالکان

پس عنوان «رعیت» به این معنی نیست که عده‌ای رعیت املاک دیگرانند، بلکه آن‌هایی که املاک بیش‌تری دارند مشهور به ارباب و خرده مالکان مشهور به رعیت هستند که اکثریت مردم روستا را نیز این طبقه تشکیل می‌داده‌اند. ضمناً در عرف مردم، هریک از این دو طبقه نیز به درجه‌ی ۱ و ۲ تقسیم می‌شده‌اند.

بدیهی است، در نظام جمعی ده، ارباب درجه ۱ از امتیازهای بیش‌تری برخوردار بود و حل و فصل مشکلات، اختلافات بین مردم و قضاوت‌ها و تدبیرها، را این طبقه برعهده داشت که بین آن‌ها اشخاص مسن به نام ریش سفید، این وظایف را انجام می‌دادند. نکته‌ی قابل توجه این است که این امتیاز طبقه‌ای، در هیچ دوره‌ای از حد اعتدال خارج نمی‌شد.

گذشته از طبقه‌ی ارباب درجه ۱ که در میان مردم از امتیاز و احترام برخوردار بودند، خانواده‌های عالمی که دست‌اندرکار امور شرعی و فقهی و طبقاتی مردم نیز بودند، احترام و موقعیت مناسبی در میان مردم داشتند.

ازدواج‌ها منحصرأ در محدوده‌ی طبقه به عمل می‌آمد، ولی در امور عمومی اجتماعی و آداب معاشرتی، همکاری و همدردی با حسن روابط برقرار بوده است. آنچه برای رفع نیاز یک جامعه‌ی روستایی لازم و ضروری بوده، تا حد خود کفایی و بلکه بالاتر از آن، در این روستا فراهم بوده است.

در زمینه‌ی طبابت، پس از تأسیس بهداری مرحوم ملاحسین طبیب، خود او و پس از او، میرزا حسین حکیم و میرزا محمد حکیم و ملاعباس حکیم‌زاده، فرزند ملاحسین مذکور، از طبیبان معروف ایبانه و منطقه بوده‌اند و در رفع نیاز درمانی این حدود،



و باید گفت، واژه‌ها را در طول زمان سالم‌تر نگه داشته است (خوانساری ایبانه، ۱۳۷۸، ص ۱۱۱).

### پوشاک مردان

پوشاک عمومی مردان از دوره‌ی صفویه تا اوایل قرن حاضر عبارت بوده است از کلاه نم‌دی، قبا، زیرپوش قبا به نام آرخالق، شال کمر، تنبان گشاد از کرباس یا متقال، گیوه‌ی محلی و پوشش زمستانی کمرچین یا سرداری، کفش چرمی یا چموش و در طبقه‌ی اعیان و ارباب، قبا از پارچه‌ی قصب یزدی، جبه یا شل ترمه‌ای، کلاه کله‌قندی دست‌دوز با نقش‌های هندسی و یک نوع عرقچین از ابریشم رنگارنگ که دارای نقش جالب بود، به نام «عرقچین تار». البته دوخت و آرایش این لباس در نهایت ظرافت و هنر دست‌دوزی انجام می‌گرفته است. در حال حاضر، در لباس محلی مردان تنبان گشاد باقی‌مانده و هنوز عوامل زمانی این پوشش را در روستا تغییر نداده است. حتی تحصیلکردگان روستا هم وقتی وارد روستا می‌شوند، همین شلوار را می‌پوشند. البته کار و کوشش مردان با این پای‌پوش گشاد، آسان هم هست.

### پوشاک زنان

بدهی است، پوشاک مردم در جریان زمان، به تبعیت از سایر شؤون زندگی، تغییر می‌کند و لباس زنان این روستا نیز از این قاعده خارج نبوده است. در هر دوره‌ای، اندک تغییری در فرم و رنگ لباس داده شده است، ولی نه به آن صورت که اصالت بنیانی آن تغییر کند. در هر صورت، این لباس ریشه‌ی قدیمی خود را حفظ کرده است. لباس معمولی فعلی با ترکیبی که دارد، برای زنانی که پایه‌ی مردان در کارهای عمومی روستایی آزادانه با مردان مشارکت دارند، پوششی است کاملاً مناسب و محفوظ که لباس‌های شهری ولو با چادر، نمی‌تواند در این گونه محیط‌های زندگی جای چنین پوششی را بگیرد. این لباس عبارت است از:

۱. چادر قد از پارچه‌ی گلداز مربع شکل به ابعاد ۱/۵ متر که به شکل سه‌گوش روی سر قرار می‌گیرد و در زیر چانه سنجاق می‌شود و سر و گردن و سینه‌ها را به خوبی می‌پوشاند.
۲. پیراهن گشاد با یقه و چاک‌های آرایش شده از پارچه‌ی گلداز و تا اندازه‌ی تیره‌رنگ که بدن در آن کاملاً پوشیده است.
۳. تنبان شلوار یا شلیته که جامه‌ای است پرچین و از کمتر تا پایین زانو را می‌پوشاند. در سردی هوای زمستانی به این

لباس روپوشی به نام آرخالق زنان یا نیم‌تنه مخملی به نام «کرتی» اضافه می‌شود. چادرشبی هم از ابریشم (کج) و شطرنجی یا راه‌راه، به صورت سه‌گوش بر سر می‌کنند. پاپوش زنان محلی گیوه یا در زمستان چموش است. نکته‌ی قابل توجه این که پارچه‌های لباس زنانه از رنگ‌های روشن و گل و بوته‌های رنگین و درشت انتخاب می‌شود که از آسمان شفاف و زیبایی‌های طبیعی محل الهام گرفته است (خوانساری ایبانه، ۱۳۷۸، ص ۱۰۴-۱۰۲).

### مهاجرت

تأسیس دبستان موجب حرکتی در نسل جدید ایبانه شد و از آن به بعد، همه‌ساله بر تعداد تحصیلکردگان دختر و پسر این روستا، چه آن‌هایی که در روستا دوره‌ی راهنمایی و متوسطه را گذرانده‌اند و چه آن‌هایی که در شهرهای کاشان و تهران به ادامه‌ی تحصیل پرداخته‌اند، افزوده شده است. بنابراین، زندگی روستائین مردمی که در این نقطه‌ی کوهستانی به نام «ویونه»، قرن‌های متمادی را در یک نظام و انسجام خاص گذرانده و فرهنگ خاص خود را «ویونج» نامیده‌اند، در حال تحولی است که امید بازگشت به نظام میراثی در آن وجود ندارد. آنچه مسلم است، موضوع مهاجرت مردم روستائین به شهرها در این زمان پدیده‌ای است جهانی و در کشور ما نیز مطرح است. این پدیده در ایبانه تأثیر بیش‌تری داشته است. شرایط زمان نیز نمی‌پذیرد که خانواده‌ای در این روستا به وسیله بیل و کلنگ، زمین زراعتی و باغ‌هایی به قطعات کوچک را دایر نگه دارد و برای وارث باقی بگذارد؛ مگر این‌که با تدبیر و چاره‌جویی، تحولی متناسب با شرایط زمان به عمل آید، به یاری خداوند متعال و توجه مقامات مسؤول (خوانساری ایبانه، ۱۳۷۸، ص ۱۹۹-۱۹۸).

\* دبیر آموزش و پرورش منطقه ۱۵ تهران

زیرنویس

۱. خوانساری ایبانه، زین‌العابدین. ایبانه و فرهنگ مردم آن. انتشارات گنجینه‌ی هنر. تهران. ۱۳۷۸.
  ۲. خلیلی، ولی‌الله. ایبانه یادگاری از ایران باستان. روزنامه‌ی همشهری. شماره‌ی ۶۵. ۱۳۸۱/۱/۱۵.
  ۳. کسرائیان، نصرالله و عرشی، زیبا. ایبانه. تهران. ۱۳۸۰.
  ۴. شناسنامه‌ی آبادی‌های کشور (استان اصفهان- شهرستان نطنز). مرکز آمار ایران. ۱۳۷۵.
5. jafari, Khashayar. sharif cultural institue. Tehran. 1997.